

درنگه کن ا

ارابه ران مرگ ا

بگذار ابر میره اسفند

این قامت بلند به زنجیر بسته وا

با بغض گرم خویش بشوید

بگذار برف ،

برف پرافشان

این حجم استواری و پاکی را

با حله سید ، کفن دوزد

ناقوس شرق را بنوازید ا

دد مرگ هم

سردار پیر زندگی از سر گرفته است

مرگش - چنانکه زندگی اش - بارور

بیم حضور خاطر مائش حتی

چندان که مویه کردن

بر او مجاز نیست .

سردار پیر اکنون

زنجیر را به خاک بدل کرده است

سردار پیر ، اما

« اندیشناك مانده به فرجام گلزار ، »

تا کی بلوغ همت باران

« ز آوردگه مزد پیر و زیش دهد ، »

اورا بهر نسیم پیامی ست

با چشم هر ستاره نگاه می ست

با بانگ هر درخش غربدی ست

ناقوس شرق را بنوازید ا

در سوکت ای بند ا

این درد را به که گویم

داسته بست با که توان گفت :

تسلیت

سردار پیرا تسلیتم باد

با این همان نلزه به نازه

سردار پیرا تعزیتم باد .

ناقوس شرق را بنوازید ا

- بردم این حصار سکوت آجین -

اعلام سوگواری سردار پیر را

از عرش سای قله پامیر

برج بلند قامت باروی آسیا

آواز در دهبده : سردار پیر شرق

آرندت صحیفه آزادی ،

دارندت رسالت خود جوشی ،

رو بنده بساط جیاولکران غرب ،

- دزدان بازگشته در بانی -

سردار پیر بسته به زنجیر

جان سپرد .

ناقوس شرق را بنوازید

ارابه ران مرگ نمی داند

اینک کدام حجم شرف را

تلزان به سوی مسجد تاریخ می برد

ناقوس شرق را بنوازید ا

ارابه ران مرگ ا

ارابه ران درنگه کن

ارابه ران ا

سردار شرق را

این سان دد این سکوت کجا می بری "

لغنی درنگه کن

ارابه ران ا

منکر به این خموش مسخر ا

آلك

از دور تر سواحل ارونده

تا بیکران آن سوی آمویه

این آسیاست اینک ا

در جامه سیاه

اینک فضای شرق

بر از صبحه و خروش



پاینده ایران

بمناسبت یازدهمین سالگرد درگذشت

پیشوای نهضت ملی ایران

دکتر محمد مصدق

چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم و بلکه بپذیرم  
دارم که این آمدن خاموش نخواهد شد و مردان بیدار  
کنند این مبارزه ملی را آنقدر دنبال میکنند تا  
بنتیجه برسند. اگر فرار باشد در خانه خود آزادی  
عمل نداشته باشم و بهکانتگان بر ما تسلط باشند و  
رشتهای برگردن ما بگذارند و ما را بهر سوی که  
میخواهند بکشند. مرگ بر چنین زندگی ترجیح دارد  
و مسلم است که ملت ایران با آن سوابق درختان -  
تاریخی و خدایانیکه بفرهنگ و تمدن جهان کرده است  
هرگز زهر بار این ننگ نمیرود.

امروز مبارزه بزرگی را ملت ما شروع کرده است  
که هیچکس از اهمیت آن غافل نیست. البته در اینگونه  
جنبشهای اجتماعی باید در مقابل هرگونه محرومیت  
ایستادگی کرد و در برابر آن آماده بود هیچ  
مبارزه ای هر قدر کوچک و ناچیز باشد با آسانی بمنتیجه  
نمیرسد. تا رنج نهم گنج سپهر نمینود. در این  
راه نیز سعی ناکرده بجای نتوان رسید.  
نطق بهستم در ماه هزار و سیصد و پنجاه و پنجم در مجلس شورای ملی

حزب ملت ایران

اسفند ماه ۱۳۵۶